

مقاله پژوهشی: نقش سرویس‌های اطلاعاتی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی

۲۰.۱۰۰۱.۱.۳۳۲۹۲۵۳۸.۱۴۰۲.۱۳.۴۸.۳.۹

سید حسن عقیلی^۱ و محمدجواد رضوانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

چکیده

در این مقاله سعی شده است نقش سرویس‌های اطلاعاتی در اعلام هشدار اولیه بحران‌های سیاسی، تشدید و حل و فصل آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. این مقاله استدلال می‌کند که در این دنیا با پیچیدگی و به هم پیوستگی فزاینده‌ی سرویس‌های اطلاعاتی ممکن است پیش‌بینی بحران و نتایج محتمل آن برای سیاست‌گذاران مهیا نباشد، اما احتمال کمک سرویس‌های اطلاعاتی به سیاست‌گذاران در درک موقعیت بحرانی، غیرقطعی و غیرقابل پیش‌بینی متصور است چراکه پیچیدگی آن طیف گسترده‌ای از نتایج محتمل را در برمی‌گیرد. این پژوهش با رویکرد کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار مطالعه کتابخانه‌ای صورت گرفته است و به این نتیجه می‌رسد که طی ادوار زمانی مختلف نقش سرویس‌های اطلاعاتی در مدیریت بحران به‌ویژه با ظهور و گسترش دنیای وب تکامل گسترده‌ای یافته و رویدادهای پیش‌بینی نشده می‌توانند از طریق دنیای کاملاً شبکه‌بندی شده با پیامدهای فاجعه‌بار و همین‌طور رویدادهای کم‌اهمیت به حیطه یک بحران تشدید شده انعکاس پیدا کنند. از این رو، نیاز مبرم به روش جدیدی برای حمایت از سیستم اطلاعاتی برای سیاست‌گذاران درگیر بحران وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سرویس اطلاعاتی، بحران، مدیریت، شبکه وب

۱- دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی

۲- دکترای تخصصی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) sha.aghil@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله:

قرن حاضر عصر تغییر و تحول و پویایی شدید محیط است. تهدیدات نوظهور، پدید آمدن مسائل جدید در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی و غیره، همه و همه، دست‌به‌دست هم داده و سازمان‌ها و کشورها را مجبور می‌کند تا در قبال دنیای متلاطم، پیچیده و تهدیدکننده پیرامونی خود (که هر لحظه منجر به بحرانی غیرقابل کنترل می‌شود)، واکنشی حساس نشان دهد. از جمله امروزه عوامل روانی و اجتماعی که باعث ایجاد بحران‌های سیاسی امنیتی می‌شوند تنها تحت تأثیر فضای فیزیکی و ویژگی‌های آن نیستند و فضای سایبر و ویژگی‌های آن نیز بر این عوامل تأثیر می‌گذارند و این تأثیر می‌تواند باعث تشدید بحران شده و یا حتی آن را تضعیف کند (شجاع مودب و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۸۰).

نظام‌های سیاسی به منظور تأمین امنیت و منافع ملی به ایجاد سامانه‌های امنیتی اطلاعاتی می‌پردازند. این سرویس‌ها وظیفه دارند در بحران‌های داخلی مداخله و به دستگاه حاکمیت در مدیریت صحیح بحران کمک کنند. در سطح وسیع‌تر برای حل بحران‌های وسیع‌تر و بین‌المللی نیز سرویس‌های اطلاعاتی بایستی به واسطه دسترسی بیشتر به اطلاعات پیشگام باشند. اما پویایی جهان باعث می‌شود تا خود این سامانه و سرویس‌ها نیز تحت تأثیر روندهای مذکور قرار گیرند در چنین شرایط متغیری می‌توان روندهای مهم‌تر و راهبردی را شناسایی نمود که به شدت آینده حوزه‌های فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. لذا مدیریت بحران‌های بین‌المللی و شناخت تهدیدات، انجام اصلاحات رویکردی، روشی و ساختاری در سازمان‌های اطلاعاتی می‌تواند از غافلگیری و شکست اطلاعاتی در برابر بحران‌های احتمالی آینده و تهدیدات متصور جلوگیری نماید.

مقام معظم رهبری فرماندهی کل قوا امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانات خود فرمودند: "باید بیدار باشیم؛ «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس». اگر صحنه را بشناسیم، عرصه را بشناسیم، دشمن را بشناسیم، نقشه‌ی دشمن را بدانیم، غافلگیر نخواهیم شد (بیانات، ۱۳۸۷//۱۶). پژوهش‌های متعددی در دنیا به دلایل ایجاد یک بحران سیاسی امنیتی پرداخته‌اند. برخی نیز به بحران‌های بین‌المللی پرداخته و در آن به نقش و وظیفه دولت‌ها و یا سازمان‌های مدیریت بحران اشاره داشته‌اند (شجاع مودب و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۸۰). اما کمتر به نقش سرویس‌های اطلاعاتی در بحران‌های بین‌المللی و ارائه مدل برای آن‌ها پرداخته شده است. برخی اندیشمندان بزرگ، دنیای امروز را عصر مخاطره نام نهاده و معتقدند عنصر مخاطره، ویژگی مهم زندگی در دنیای مدرن است. از این‌رو، مهم‌ترین کارکرد نهادهای امنیتی و اطلاعاتی در دوران کنونی، آینده‌نگری، پیش‌بینی و ممانعت از بروز و ظهور و عینیت یافتن بحران‌ها و تهدیدات (بالقوه) علیه امنیت ملی، ثبات سیاسی و اخلال در نظم اجتماعی است. انتظار اصلی نهادهای تصمیم‌گیر و افکار عمومی از نهادهای امنیتی آن است که از بروز بحران‌های بین‌المللی و امنیتی غافلگیرکننده

جلوگیری نموده و بر رویدادها و روندهای نوظهور پیشی بگیرند (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). در این خصوص مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانات خود در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی فرمودند: ندانستن این‌که دشمن چه در سر دارد و چه می‌خواهد بکند، غفلتی است که ممکن است ما را از امکان برخورد و دفاع محروم کند (بیانات، ۱۳۸۲/۲/۲۲).

غافلگیری، ویژگی ذاتی بحران‌های امنیتی و آینده‌نگری در خصوص بروز رویدادهای غافلگیرکننده، مهم‌ترین بخش فعالیت‌های تحلیلی و هدف اصلی آن است، به این معنی که هرچه تحلیل‌های اطلاعاتی به سمت پیش‌بینی‌های دقیق‌تر و حرفه‌ای‌تر حرکت کنند، به همان میزان، امکان عینیت یافتن غافل‌گیری‌ها کاهش می‌یابد و از فراوانی و شدت بحران‌های ضد امنیتی کاسته می‌شود (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

بر این اساس، مسئله اصلی تحقیق این است که نیازمندی‌ها و رویکردهای مدیریت بحران‌های بین‌المللی توسط سرویس‌های اطلاعاتی کشور ما با توجه به ضرورت اصلاحات فکری، روشی و ساختاری آن‌ها با سؤال و هدف ذیل چه می‌تواند باشد.

هدف پژوهش: بررسی نقش سرویس‌های اطلاعاتی در مدیریت بحران بین‌المللی و سؤال بر مبنای هدف تعیین‌شده پژوهش عبارتست از: نقش سرویس‌های اطلاعاتی در مدیریت بحران بین‌المللی چیست؟ همچنین با توجه به رویکرد اکتشافی تحقیق، مبتنی بر روش بکار گرفته‌شده برای یافتن پاسخ، فرضیه‌ای در ابتدا مطرح نمی‌گردد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

ریشه‌یابی و شناسایی ماهیت بحران‌ها و اتخاذ اقدامات پیش‌دستانه و بازنگری و ارائه طرح‌های اصلاحی در رویکرد، روش و ساختار سازمان اطلاعاتی برای جلوگیری از غافلگیری اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با بحران‌ها دارای اهمیت فوق‌العاده است و در صورت عدم اهتمام به موارد مزبور، مدیریت بحران‌های بین‌المللی توسط سرویس اطلاعاتی و در نتیجه آن نظام جمهوری اسلامی را با مشکل مواجه کرده و با خسارات و آسیب‌های جبران‌ناپذیر مواجه می‌نماید.

۱. مبانی نظری

این مقاله، به لحاظ چارچوب نظری، تبیین نسبت تحلیلی دو مفهوم کلیدی مطالعات اطلاعاتی برگرفته از رویکرد مکتب کپنهاگ، یعنی «امنیت بین‌الملل»، «بحران بین‌المللی» را مبنا قرار داده است. تجربه و نوع مدیریت بحران قدرت‌های بزرگ در گذشته می‌تواند چراغ راهی برای تحلیل و بررسی نظری شرایط متفاوت کنونی باشد. آنچه این بررسی نظری را ضروری می‌سازد، یافته‌های به‌دست‌آمده از تجارب گذشته در زمینه مدیریت بحران در دوران پس

از جنگ سرد است. این رهیافت نظری عموماً مبتنی بر مقایسه شرایط مدیریت بحران در دوران جنگ سرد و پس از آن حول سه متغیر تعیین کننده است: ۱- توزیع قدرت در نظام بین الملل، ۲- ساختار تصمیم گیری قدرت های بزرگ، و ۳- فرهنگ راهبردی حاکم بر رفتار این قدرت ها. متغیر نخست در بردارنده وضعیت متفاوت نظام بین الملل و گذار از یک نظام دو قطبی نسبتاً منعطف به دوران انتقالی است که در آن علاوه بر قدرت برتر، قدرت های بزرگ دیگر نیز نقش آفرینی می کنند و بر اهمیت توانایی ها در عرصه های غیرنظامی بسیار افزوده شده است. بر این اساس، در مورد هر یک از این قدرت های بزرگ می توان رویکرد و تجارب آن ها را در مدیریت بحران در چهارچوب اهداف و منافعشان مورد بررسی قرارداد (واعظی، ۱۳۸۹: ۹-۱۱). علاوه بر این، در تدوین الگوی مدیریت بحران از مبانی نظری چرخه مدیریت بحران استفاده شده است.

از این حیث که در مکتب کپنهاگ، «امنیت» با «فقدان تهدید» رابطه ای این همانی دارد، امنیتی کردن، معادل و در تناظر با تهدیدانگاری یک پدیده واقع می شود که خود، محصول درک بیناذهنی اعضای جامعه اعم از داخلی و بین المللی است (نوریان و رضایی، ۱۳۹۹: ۴۴۲).

۱. تعاریف

۱.۱. بحران: تعاریف زیادی برای بحران ارائه شده است. مثلاً هیث و میلر (۲۰۰۴) نزدیک به ۲۰ تعریف را فهرست می کنند و مورد بحث قرار می دهند. برخی بر لزوم تلاش های مدیریتی فراتر از اصول مدیریتی معمول و همیشگی، تمرکز می کنند. برخی بر استرس، برخی دیگر بر کنترل ناکافی، عدم قطعیت، تخطی از قوانین یا اخلاقیات و بعضی هم بر خلافاکاری و زیر پا گذاشتن قانون تأکید دارند و این موارد را سرمنشأ بحران می دانند. بعضی نیز به آمادگی ضعیف و جلوگیری های ناکافی اشاره می کنند، اما در همه این تعاریف بر کنترل تأکید شده و این که آیا سازمان از کنترل کافی و درست عملکردها خبر داشته یا برای مقابله با بحران برنامه ریزی شده است؟ اگر سازمان به نقش کنترل توجه نکرده باشد، لازم است که در برنامه های پسابحرانی به برنامه ریزی توجه کند و با درس هایی که از بحران آموخته، احتمال وقوع دوباره آن را کاهش داده و در نتیجه احتمال بحرانی شدن سازمان کم و از سابقه بحران زایی سازمان جلوگیری شود.

با تمرکز بر برخی رخدادها یا شرایط سرنوشت ساز، می توان بحران را احتمال خطر تعریف کرد. برگ و راب (۱۹۹۲) ارزیابی از مدیریت ریسک و مقابله با بحران در سازمان را مطالعه و موضوع مسئولیت پذیری را نیز به تعاریف بحران اضافه نمودند.

از نظر مورخان، بحران فقط تغییری بسیار سریع در محدوده اندکی از زمان است که بر جنبه های بسیار اساسی نهادها، نگرش های اخلاقی، انواع اندیشه و احساس، ساختارهای قدرت و تشکیلات اقتصادی تأثیر می گذارد (مازور،

۱۳۶۷). دانش مدیریت، بحران را آخرین مرحله از عمر یک سازمان در حال انحطاط، یعنی زمانی که مرگ آن قریب‌الوقوع می‌نماید تعریف کرده است و از نظر برخی محققان دیگر همچون گرینر، لپییت و اشمیت، بحران‌ها دوره‌هایی هستند که داغ خود را بر چهره‌ی تغییرات مربوط به چرخه عمر سازمان‌ها برجای می‌گذارند (حسینی، ۱۳۸۵: ۹). نکته قابل توجه این است که بحران لزوماً بد نیست، می‌تواند به معنای تغییرات بنیادی خوب و بد باشد (فریدم^۱، ۲۰۰۲: ۵). در تعریفی دیگر بحران دربرگیرنده مجموعه حوادثی است که در اثر رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی به‌طور ناگهانی به وجود می‌آید و خساراتی را تحمیل می‌کند و برطرف کردن آن نیاز به اقدامات و عملیات فوق‌العاده دارد (شجاع مودب و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۸۱). درنهایت تعریف منتخب از بحران عبارت است از: درک رخدادی غیرمنتظره که انتظارات مهم ذینفعان را تهدید می‌کند و می‌تواند تأثیری جدی بر عملکرد سازمان داشته باشد و پیامدهایی منفی ایجاد کند (کومبز^۲، ۲۰۰۷: ۲-۳). در این تعریف ماهیت مفهومی بحران مدنظر است و نحوه دید ذینفعان نسبت به رخداد، تأثیر مستقیمی بر بحرانی شدن یا نشدن رخداد دارد. این تعریف درصدد است که نگرانی‌های ذینفعان و نقش آن‌ها در شکل‌گیری معنی مشترک از بحران را در نظر داشته باشد.

۱.۲. بحران امنیت ملی: امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و یا خاک خود، در آن به سر می‌برد. به وضعیت تغییر این فرایند و قرار گرفتن در آستانه از دست رفتن امنیت ملی بحران امنیت ملی گفته می‌شود. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹) هرچند که تعاریف متعددی از امنیت و امنیت ملی ارائه شده اما می‌توان گفت بنا به همین تعریف امنیت ملی مؤلفه حفظ سیستم اقتصادی بسیار حائز اهمیت است.

۱.۳. بحران بین‌المللی: تا زمانی که پیشگیری‌های لازم و ضروری در مورد بروز بحران‌ها و کاهش اثرات مخرب آن‌ها در سطح جهانی به حد متعارف و قابل قبولی نرسد، اثرات ناشی از بحران‌ها کماکان زندگی بشر و جوامع را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. دنیای حاضر در شرایط کنونی با مشکلات و مسائل جدی زیست‌محیطی و تغذیه روبرو است و به همین دلیل نیز کاهش اثرات مخرب ناشی از بحران‌ها باید مورد توجه خاص قرار گرفته و نقش اساسی در مبارزه با کلیه مسائل و مشکلات مبتلا به عصر کنونی را داشته باشد. پایداری سیستم‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دنیا به‌طور محسوسی با شکاف موجود بین کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه ارتباط داشته و لذا توجه به کاهش اثرات مخرب ناشی از بحران‌های مختلف در کشورهای درحال توسعه عاملی مهم و اساسی در برطرف کردن این شکاف و در نتیجه پایداری سیستم جهانی خواهد داشت (گروه مطالعاتی دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۱: ۱۹).

۱.۴. سازمان اطلاعاتی: سازمان اطلاعاتی یک سازمان دولتی است که وظیفه جمع‌آوری، تحلیل و بهره‌برداری از اطلاعات برای حمایت از اجرای قوانین، امنیت ملی، اهداف نظامی و سیاست خارجی یک کشور را بر عهده دارد

(لی لرنر^۱، ۲۰۰۴: ۳). نمی‌توان منکر شد که نقش اطلاعات در حکومت‌داری اساسی و حیاتی است. مروری بر رساله هنر جنگ سان تزو، سیاست‌نامه خواجه نظام الملک و نوشته‌های آلوین تافلر در دوران معاصر حاکی از آن است که اطلاعات در اقتدار حکومت و قدرت ملی در مقایسه با دیگر ملل تأثیر می‌گذارد. از این رو، بخش اعظم منابع سیاسی دانشگاهی غرب در مورد شیوه‌ها و ابزارهای حکومت‌داری در ۵۰ سال اخیر (به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم) به بررسی ابعاد مختلف تأثیرگذاری اطلاعات در سیاست و جایگاه آن در فرایندهای سیاسی اختصاص یافته است. تبلور رابطه‌ی سیاست و اطلاعات به‌ویژه در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی مشاهده می‌شود. سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی به شکل نهادهایی با کارکردهای خاص همواره در کانون توجه محققان، سیاستمداران و جامعه مدنی بوده است. سیاستمداران همواره از توانمندی‌های خاص این سازمان‌ها برای افزایش قدرت ملی، آگاهی از نیات دشمن، کنترل مخالفان، و... بهره برده‌اند و فعالان جامعه مدنی نیز با تأکید بر لزوم وجود این سازمان‌ها برای افزایش قدرت ملی، در پی آن بوده‌اند اقتدار غیرقانونی این نهادها را کاهش و نهادهای نظارتی بر این سازمان‌ها را تشکیل دهند. پژوهشگران نیز، در این میان به دلیل نقش این سازمان‌ها در ابعاد داخلی و بین‌المللی سیاست، علاقه خاصی به بررسی جایگاه این نهادها در فرایند سیاست داخلی، کار ویژه‌های آن‌ها، و سرانجام تحولات مربوط به سیاست‌های امنیتی و ساختارهای نهادی آن‌ها دارند (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

۲. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی - تفسیری انجام گردیده و چون به مورد کاوی می‌پردازد از روش پژوهش زمینه‌ای مورد استفاده شده است. از آنجاکه نتایج تحقیق کاربردی و تصمیم‌گرا می‌باشد، نوع پژوهش کاربردی است. اطلاعات این تحقیق با ابزار سندپژوهی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در روش کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و مطالعات میدانی تخصصی انجام شده و اطلاعات نظری مورد نیاز از طریق جستجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی و بانکهای اطلاعاتی به‌دست آمده است. با توجه به این که محققین ضمن فیش‌برداری، دقیقاً منابع مربوطه را نیز ذکر و در ذیل هر مطلب درج نموده‌اند؛ بنابراین اعتبار مطالب توسط مدارک علمی انتخابی مشخص گردیده است.

همچنین برای پایایی و اعتبار نتایج از مصاحبه با خبرگان استفاده شده است که شامل ۵ استاد دانشگاه و ۳ کارشناس مرتبط با حوزه‌های امنیتی و دیپلماسی عمومی در دستگاه‌های حاکمیتی می‌باشند. این خبرگان بر اساس نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند (یا قضاوتی) انتخاب شده‌اند. از این تعداد ۶ نفر دارای مدرک دکترا و ۲ نفر کارشناسی ارشد هستند. نتایج تحقیق به این خبرگان ارائه و پس از چند نوبت اعمال اصلاحات، مورد تأیید همه قرار گرفت.

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۱. نقش سرویس‌های اطلاعاتی در مدیریت بحران بین‌المللی

نخستین مسئله در بحران، زمان است. هنری کسینجر می‌گوید: "هیچ بحرانی نمی‌تواند در هفته آینده وجود داشته باشد. برنامه زمان‌بندی من قبلاً پر شده است." (هرتز^۱، ۲۰۱۱: ۸۰) نوعاً بحران‌های بین‌المللی از یک غافلگیری و بی‌توجهی به زمان شروع شده‌اند و در مقابل با زمان‌بندی مناسب سرویس‌های اطلاعاتی از بحران‌ها عبور شده است. همچنان بحران موشکی کوبا به‌عنوان مسئله‌ی مدیریت موفق بحران و همچنین نقش سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده در شکل دادن به این بحران مطرح است (آلیسون و زلیکوو^۲، ۱۹۹۹) بررسی‌ها در عملکرد سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده در این بحران معمولاً بر شکست در برآورد اتحاد جماهیر شوروی سابق در جهت استقرار موشک‌های راهبردی در کوبا متمرکز بوده است (سیا، ۱۹۹۲). برآورد سرویس‌های اطلاعاتی منتشر شده در ۱۹ سپتامبر ۶۲ حاکی از استقرار موشک‌های شوروی سابق در کوبا بود. زیرا خطرات حال حاضر با روش شوروی سابق تا به امروز و با سیاست آن‌گونه که در حال حاضر آن را برآورد می‌کنیم همخوانی دارد (بلایت و دیگران^۳، ۱۹۹۸). با این حال، نظارت بر پروژه شوروی سابق در کوبا، توسط شناسایی هوایی یو-۲ بود که ساخت سایت‌های موشک بالستیک در سان کریستوبال را تایید و ایالات متحده در یک بحران وارد شده بود. در حال حاضر سوابق غیر محرمانه ما را قادر می‌سازد تا پشتیبانی سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده از سیاست‌گذاران در خلال بحران از طریق نظارت بر سطوح روند حرکت شوروی سابق در کوبا و از لحاظ جهانی ضمن تلاش در برآورد واکنش شوروی سابق به گزینه‌های احتمالی ایالات متحده علیه موشک‌های استقرار یافته آن‌ها در کوبا را مورد بررسی قرار دهیم. با این سوابق قادر هستیم تا نظارت سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده در مورد حذف موشک‌های خود از کوبا را نیز پیگیری کنیم. در مقابل، افشاء اطلاعات روسیه نشان می‌دهد که در خلال بحران استقرار موشک‌ها در کوبا، هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد گزینه‌های ایالات متحده و واکنش به استقرار این موشک‌ها در کوبا وجود نداشته است.

این مسئله که آیا سازمان سیا نیت خروشچف برای استقرار موشک‌های تهاجمی در کوبا را پیش‌بینی کرده بود مطرح است. بحران موشکی کوبا ذهنیت ما از یک بحران بین‌المللی به‌عنوان یک رخ داد غافلگیرکننده در مورد رویدادهایی که بقای دولت - ملت را تهدید می‌کند، را تایید می‌نماید. برآورد ویژه اطلاعات ملی نشان می‌دهد که سازمان سیا این جنبه را در نظر گرفته بود اما آن را غیرمحمتمل می‌شمرد و این نمونه دیگری از شکست سرویس‌های

۱- Herets

۲- Allison and Zelikow

۳- Blight and others

اطلاعاتی در فراهم کردن هشدار اولیه جنگ احتمالی در تشدید یک بحران بین‌المللی برای سیاست‌گذاران بود. سال‌ها قبل سرویس‌های اطلاعاتی مختلف در ارائه هشدار تصمیم‌زایی‌ها برای شروع جنگ با ایالات متحده، به روسای سرویس اطلاعاتی خود و رهبران شکست‌خورده بودند (جانسون، ۲۰۰۹: ۱۷۳-۱۸۸). اطلاعات راهبردی، در برداشت فعلی ما از بحران بین‌المللی این است که انتظار می‌رود سازمان اطلاعاتی، اطلاعات را به سیاست‌گذاران ارائه داده و پیش‌بینی کند که دشمن در حال برنامه‌ریزی برای چه کاری است. بنابراین سیاست‌گذار را قادر می‌سازد تا اقدامات پیشگیرانه مناسب برای اجتناب از جنگ را اتخاذ نماید. این نکات برخی از دلایل ذکر شده‌ای را مشخص می‌کند که شکست اطلاعاتی در جهت ارائه هشدار اولیه در مورد یک بحران بین‌المللی می‌تواند به صورت جنگ بروز نماید. اگر بپذیریم که شکست سرویس‌های اطلاعاتی اجتناب‌ناپذیر است، آنگاه آیا می‌توان سازمان اطلاعاتی را به علت غافلگیر شدن، و یا برای بررسی چگونگی بازسازی درک خود از یک بحران بین‌المللی و انتظارات از اطلاعات در مدیریت بحران بین‌المللی تبرئه نمود؟ (سیا، ۲۰۰۳)

۲. درک بحران بین‌المللی

شروع یک بحران بین‌المللی از آنجا می‌باشد که روابط دیپلماتیک معمولی شکسته شده و رویدادها یک تغییر جهت غیرمنتظره و غافلگیرانه را به خود گرفته، و بحرانی را ایجاد می‌کند که باید مدیریت شود. مدیریت بحران در مورد حفظ کنترل بر رویدادها برای اجتناب از جنگ است (الکساندر^۱، ۱۹۹۱) و از سرویس‌های اطلاعاتی انتظار می‌رود یک پیش‌آگاهی از رویدادهایی که در حال تغییر جهت غیرمنتظره برای وقوع یک بحران هستند، را برای سیاست‌گذار فراهم سازند. برای کندی بحران استقرار موشک‌های شوروی در ۱۴ اکتبر هنگامی مطرح شد که عکس‌های هوایی یو-۲ ساخت سایت‌های موشکی در کوبا را تایید و برآورد ویژه اطلاعات ملی را زیر سؤال برده بود. بنابراین کندی و همکاری‌اش که توسط این برآورد مطمئن شده بودند اساساً غافلگیر شده‌اند و خروشچف می‌تواند به صورت غیر عقلانی برخلاف آنچه سیاستمداران کاخ سفید به عنوان منافع ملی شوروی درک می‌کنند اقدام کند و هشدارهای ایالات متحده در این منافع را روشن سازد. اما برای خروشچف شروع بحران بر اساس برآورد درست یا غلط ایالات متحده از استقرار موشک‌های شوروی قبل از آن‌که آن‌ها آن را تکمیل کنند بوده تا ایالات متحده را در برابر عمل انجام‌شده قرار دهند. ظاهراً خروشچف فکر می‌کرد کندی نمی‌تواند هیچ اقدامی را صورت دهد زیرا ایالات متحده پیش‌تر در برابر موشک‌های قاره‌پیمای شوروی آسیب‌پذیر بود. بنابراین موشک‌های شوروی یک تهدید جدید و یا تشدید تهدید نبوده است. بعلاوه، احتمال دارد خروشچف تاب‌آوری شوروی در برابر هرگونه فشار دیپلماتیک از جانب رئیس‌جمهور جوان ایالات متحده را از قبل ارزیابی کرده باشد. حال این سؤال به

اذهان متبادر می‌شود آیا کندی و خروشچف، توسط سرویس‌های اطلاعاتی خود در مورد مقاصد و تصمیم خود برای به چالش کشیدن دیگری به‌اشتباه مشاوره شده بودند؟ (ویلیمز، ۱۹۷۶) یا دارای ارزیابی دقیقی از توانایی یکدیگر برای عبور از بحران بودند؟ رابرت کندی برادر رئیس‌جمهور پیشین امریکا، جان اف کندی، در این باره می‌گفت: خروشچف می‌دانست که بالاخره آمریکایی‌ها راهی برای خروج دو کشور از بحران کوبا پیدا می‌کنند. (کالدول^۱، ۱۹۸۹: ۱)

مرحله اول مدیریت بحران سیاسی درک متخصصین از محیط خود می‌باشد که به سرعت در حال تغییر است، و پس از آن بر اساس این درک از مقاصد متخصصین و اقدامات، به محض واکنش خود به گسترش بحران تصمیم گرفته می‌شود. در این مرحله می‌بایست انگیزه‌های طرف دیگر در پیگیری این جریان اقدامات که به یک بحران منجر شده بررسی شود. در این درک، به‌ویژه قصد طرف دیگر در حفظ موضع خود، یک کلید برای فرمولاسیون راهبرد مذاکره در حل و فصل بحران است. کلید مدیریت موفق بحران، آگاهی از میزان تهدید و اجباری است که یک سرویس اطلاعاتی یا کشور آماده اعمال برطرف متخصص است (لبو^۲، ۱۹۸۱).

واکنش ایالات متحده به حمله ۱۱ سپتامبر القاعده به مرکز تجارت جهانی نیویورک تا حدی توسط درک آن از روایت‌های القاعده در مورد دیدگاه خود از جهان ایجاد شد. اما مهم‌تر، آن دسته از دیدگاه‌های القاعده است که در دیدگاه‌های ایالات متحده در مورد جایگاه و نقش خود در جهان آن‌گونه که توسط گروهی از سیاست‌گذاران نئومحافظه کار تعریف شده بود بروز داده می‌شود. این اقدامات القاعده به‌عنوان یک اقدام شیطانی بر علیه ایالات متحده آمریکا تلقی می‌شود (بی‌بی‌سی، ۲۰۰۴). در مقابل، واکنش‌های تیم کندی در بحران موشکی کوبا ظاهراً تا حد زیادی توسط تاریخ یک دهه و یا یک قرن بعد مورد قضاوت قرار خواهد گرفت. همان‌طوری که نیوستاد و می استدلال کردند، واکنش کندی و تیم او “تفکر در زمان” بود (نوشتات و می^۳، ۱۹۸۶: ۱۴).

۱-Caldwell

۲-Lebow

۳- Neustadt and May

۳. دلایل شکست سرویس‌های اطلاعاتی در پیش‌بینی بحران بین‌المللی

پیش‌تر انتظاراتی که از سرویس‌های اطلاعاتی در مدیریت یک بحران سیاسی می‌رود، مطلع کردن سیاست‌گذاران در مورد شکست قریب‌الوقوع، احتمال بحران و یا بدتر، حمله غافلگیرانه بوده است. در وهله دوم، انتظار می‌رود سرویس اطلاعاتی در خلال بحران یک جریان ثابت از برآوردها و ارزیابی‌ها در مورد مقاصد طرف دیگر و واکنش به محیط در حال تغییر را برای سیاست‌گذاران فراهم سازد. در وهله سوم، انتظار می‌رود این برآوردها و ارزیابی‌ها یک برگ برنده در مذاکره‌ی حل و فصل بحران و یا پیگرد قانونی تبعات جنگ برای سیاست‌گذاران را فراهم سازد (شویر^۱، ۲۰۰۷: ۴۴-۳۲).

سابقه بسیاری از سرویس‌های اطلاعاتی از جمله سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا در اجرای این انتظارات در یک بحران توأم با ناکامی فراوان بوده است. تمام بحران‌هایی که تشدید شده و در جنگ اوج گرفته بودند، از حمله ژاپنی‌ها به بندر پرل هاربر، تا جنگ در عراق به شکست‌های بسیار سرویس اطلاعاتی نسبت داده شده است. پیروزی پروس (امپراطوری آلمان) علیه اتریش در جنگ سادوا و در جنگ جهانی اول؛ جنگ روسیه-ژاپن در ۱۹۰۴؛ حمله ژاپن به پرل هاربر؛ حمله کره شمالی بر علیه کره جنوبی در ژوئن ۱۹۵۰ و مداخله چین در این تعارض؛ جنگ سوئز در سال ۱۹۵۶؛ جنگ سال ۱۹۶۲ هند و چین؛ بحران و غافلگیری در سه جنگ اعراب و اسرائیل؛ حمله آرژانتین در فالکلند ۱۹۸۲؛ جنگ اول و دوم خلیج فارس علیه عراق در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ - همچنین بحران سوریه و عراق در سال‌های اخیر - همگی غافلگیری‌های نظامی بودند که باید تا حد زیادی به شکست سرویس‌های اطلاعاتی برای پیش‌بینی محرک‌ها و فرصت‌ها برای یک حمله غافلگیرانه در یک بحران سیاسی نسبت داده شود (کنور و مورگان^۲، ۱۹۸۳: ۱۸-۴).

در این سابقه بحران موشکی کوبا و بحران اولیه محاصره برلین سال‌های ۴۹-۱۹۴۸ و احتمالاً، برخورد مرزی چین و روسیه در سال ۱۹۶۹ به‌عنوان مواردی از مدیریت موفق بحران ذکر می‌شود که به جنگ منجر نشد. متأسفانه، عدم آگاهی از نمونه‌های بارز این مدیریت موفق بحران که ممکن است به اطلاعات راهبردی نسبت داده شده باشد، توجه را به فجایع شکست‌های مدیریت بحران معطوف کرده است (هندل^۳، ۱۹۸۱). به‌طور گسترده، چهار طبقه‌بندی برای این شکست‌ها شناسایی شده است.

۴.۱. اولین دسته از شکست‌ها به دلیل ناتوانی سرویس اطلاعاتی در مشاهده‌ی بروز یک بحران از میان ابهامات افکنده شده و فریب دشمن است. موضوع اصلی برای نفوذ در فریب، آشکارسازی اقدامات دشمن برای پوشش دادن و پنهان کردن حرکات او در جهت راه‌اندازی یک حمله غافلگیرانه است. شوروی سابق به‌طور موفقیت‌آمیزی نقل و

۲- Scheuer

۳- Knorr and Morgan

۴- Handel

انتقالات دریایی موشک‌های خود به کوبا را تا ۱۴ اکتبر زمانی که آن‌ها در حال تکمیل این پروژه بودند، از دید سازمان سیا پنهان کرده بود. مطالعه سال ۱۹۶۹ والی در مورد استنباط و تفاسیر سرویس‌های اطلاعاتی متحد از علائم و هشدارهای دشمن نازی در سال ۱۹۴۱ بسیار مهم است (والی^۱، ۱۹۷۳). درسی که سرویس‌های اطلاعاتی گرفته‌اند این است که فریب و انکار اطلاعات توسط دشمن در مورد مقاصد و اقدامات مانع بزرگی است که آن‌ها در تلاش خود برای ارزیابی‌ها و برآوردهای بهتر با آن مواجه هستند. اما باید بررسی شود تا چه حد این کار برای توسعه راهبردهای فریب - متقابل با در نظر گرفتن اینکه فریب موفق خوانده می‌شود و از انتظارات و پیش‌فرض‌های دشمن برای "دیدن آنچه که آن‌ها انتظار دیدن آن را دارند" بهره‌برداری می‌کند، عملی و امکان‌پذیر است (بنت و والتز، ۲۰۰۷). فریب می‌تواند ناشی از حمله به زیرساخت‌های اطلاعات باشد. سازمان‌ها دارای اطلاعات حساسی هستند که برای مزیت رقابتی بلندمدت آن‌ها اهمیت دارد، بنابراین هر نقصی در سیستم‌های اطلاعاتی می‌تواند برای آن‌ها تهدیداتی در پی داشته باشد (صدیقی گاریز و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۰).

۴.۲. دومین دسته از توضیحات برای شکست‌های سرویس‌های اطلاعاتی جانب‌داری و تعصب شناختی ناشی از تجزیه و تحلیل اطلاعاتی است. جی ریچارد هیوور^۲ یکی از افسران سازمان سیا می‌نویسد: جانب‌داری‌ها و تعصبات در ارزیابی مدارک و شواهد؛ جانب‌داری در ادراک علت و معلول؛ جانب‌داری‌ها در برآورد احتمالات و در نهایت تعصبات و جانب‌داری‌های ادراکی در ارزیابی کیفیت و مقدار محصولات اطلاعاتی آسیب‌های سرویس اطلاعاتی هستند (هیور^۳، ۱۹۹۹). در این خصوص نیز رابرت ولستر در مطالعه خود در مورد پرل هاربر^۴، تا ریچارد بیتز^۵، رابرت جرویس^۶ و ... نیز این موارد را متذکر شده‌اند که همگی از اجتناب‌ناپذیری غافلگیری در بحران که می‌تواند به یک حمله غافلگیرانه منجر شود صحبت به میان آورده‌اند. برای این تجزیه و تحلیل‌ها، غافلگیری غیرقابل اجتناب است (جرویس^۷، ۲۰۱۰).

۴.۳. سومین دسته از دلایل شکست‌های سرویس‌های اطلاعاتی در پیش‌بینی بحران و حملات غافلگیرانه به مدیریت و سازمان سرویس‌های اطلاعاتی نسبت داده شده است. این دلیل دریافته‌های اکثر کمیسیون‌های تحقیق از ۳۹ جلد جلسات کنگره آمریکا در مورد پرل هاربر تا کمیسیون آگرنات در خصوص شکست‌ها در سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی ذکر شده است. گزارش کمیسیون ۹/۱۱ و گزارش باتلر در جولای ۲۰۰۴ در خصوص عراق، نه تنها

۱- Whaley

۲- Richard J Heuer Jr

۳- Heuer

۴- Pearl Harbor

۵- Richard K. Betts

۶- Robert Jervis

۷- jervis

درخواست اصلاحات سرویس‌های اطلاعاتی، بلکه اصلاح کلی مدیریتی سازمان‌ها را نیز در برداشت (بی من^۱، ۲۰۰۵: ۱۷۰-۱۴۵). چالش در اصلاحات سرویس‌های اطلاعاتی عبارت است از بررسی دقیق تمرکزگرایی و تعادل به همراه عدم تمرکز و جمع‌گرایی (بتس^۲، ۲۰۰۷: ۱۵۸-۱۲۴).

۴.۴. درنهایت، شکست سرویس‌های اطلاعاتی به هشدار دادن به سیاست‌گذاران در مورد یک بحران قریب‌الوقوع مرتبط است که ریشه در روابط آن‌ها با سیاست‌گذاران دارد (اومانند^۳، ۲۰۱۰: ۲۰۸-۱۷۱). انتظار از یک تحلیل‌گر اطلاعاتی این است که تصویر دقیقی از «واقعیت آنچه وجود دارد» به سیاست‌گذار ارائه دهد. تحلیل‌گر اطلاعاتی لزوماً بخشی از فرآیند سیاسی برای حصول اطمینان از برآوردها و ارزیابی‌های جانب‌دارنه و سیاسی نیست. اما از طرف دیگر، در فرآیند سیاسی، عدم آگاهی تحلیل‌گر اطلاعاتی از نیازها و تنش‌های سیاسی برآوردها و ارزیابی‌های مخاطره‌آمیز که ارتباطی به نیازهای سیاسی ندارند را نشان می‌دهد. همان‌طور که ریچارد بیتز در ۱۹۸۲ استدلال کرد^۴، سرویس اطلاعاتی ممکن است به‌طور صحیح یک بحران را پیش‌بینی کند، اما سیاست‌گذار ممکن است یا تصمیم به نادیده گرفتن داشته باشد و یا در اجازه برای یک واکنش نظامی بی‌میل باشد.

۴. موضوعات ضروری در مدیریت بحران

از سرویس اطلاعاتی انتظار می‌رود که با پیش‌بینی و هشدار در زمان مناسب، امکان پیش‌دستی در غافلگیری در زمان بحران را فراهم سازد. این امر مبتنی بر درک فرآیند سیاسی است که به‌صورت تجربی ایجاد شده است و در آن موضوعات سیاسی و چالش‌ها می‌توانند به‌صورت تجربی تعدیل شده و برای انتخاب عقلانی یک سیاست ترجیحی به‌منظور حل مسئله بحران مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. فرض می‌شود که سیاست‌گذار تا حدودی کنترل محیط خود را دارد و از توانایی لازم برای تصمیم‌گیری در مورد آینده منافع ملی بانظم پایدار و قابل پیش‌بینی برخوردار است.

قدرت نظامی، موازنه‌سازی، دستیابی انحصاری به انرژی، تغییر متحدان، رقیبان و حریفان در حوزه منافع امنیت ملی و محیط ژئوپلیتیکی یا به تعبیری تغییر نظم بین‌الملل و فناوری نظامی هر یک می‌توانند موضوعات یک بحران بین‌المللی باشند.

از تحلیل‌گر اطلاعاتی انتظار می‌رود در زمان سیاست‌گذاری یک بحران بین‌المللی توسط یک بازیگر که به دنبال چالش و تغییر نظام ایجادشده به نفع خود است به‌منظور ممانعت از ناپایدارسازی وضع موجود، اطلاعات و تحلیل‌های بهنگامی را به سیاست‌گذار ارائه دهد. برای مثال موضوع پافشاری کره شمالی در توسعه ظرفیت‌های

۱- Byman

۲- Betts

۳- Omand

۴- Betts, *Surprise attack*, pg. ۴.

هسته‌ای این سیگنال را به ایالات متحده و متحدینش می‌دهد که در زمینه نحوه ساخت یک سیستم هشدار اولیه نیازمند سرویس اطلاعاتی کارآمدتر در حوزه‌ی پیش‌بینی و مدیریت بحران هستند (براکن و دیگران^۱، ۲۰۰۸: ۱۶۴۲).

موضوع ضروری دیگر کنترل رسانه‌های گروهی است که نوعاً در زمان بحران توسط سرویس‌های اطلاعاتی انجام می‌شود. بحران و بخصوص بحران‌های عمده، خبرساز بوده لذا جمع‌آوری و کسب اطلاعات توسط رسانه‌های داخلی و یا بین‌المللی غیرقابل اجتناب می‌باشد. به این ترتیب برنامه‌ریزی جهت انجام ترتیبات خاص و سازماندهی شده جهت رویارویی با این امر باید پیش از وقوع بحران صورت پذیرد. این گونه ترتیبات معمولاً در چارچوب برنامه‌های و روش‌های استاندارد عملیاتی مطرح می‌شوند و مسئولیت‌های خاصی برای دستگاه‌های سخن‌پراکنی و خبررسانی دولتی در نظر گرفته می‌شود. در این خصوص خاطرنشان می‌گردد که وضعیت و شرایط کشور بحران‌زده باید به‌طور دقیق و صحیح در سطح بین‌المللی گزارش شده و در این مورد نباید به‌هیچ‌وجه اطلاعات غلط و یا غیرواقعی در خصوص کمک‌های بین‌المللی منتشر گردد. بعضی از بحران‌ها معمولاً باعث پخش شایعاتی در سطح داخلی و یا خارجی می‌گردد و لذا جهت ممانعت از پخش این گونه شایعات و استنباط ناصحیح، لازم است که نمایندگان رسانه‌های گروهی بلافاصله پس از وقوع بحران فرصت‌های لازم را جهت بازدید از محل (در صورت امکان) و جمع‌آوری اطلاعات کسب نمایند. تأخیر در انجام این امر به احتمال زیاد باعث ایجاد اخبار ساختگی توسط خود نمایندگان رسانه‌های گروهی می‌گردد که به‌هیچ‌وجه به نفع کشور بحران‌زده نمی‌باشد. ارتباطات نزدیک با رسانه‌های گروهی محلی بسیار حائز اهمیت می‌باشد و دارای منافع دوطرفه است (گروه مطالعاتی دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۱: ۶۱).

آن‌گونه که مشخص شد سرویس اطلاعاتی برای مدیریت هر یک از موضوعات بحران‌های بین‌المللی نیازمند یک چارچوب مشخص و با تفکیک میان محدودیت‌ها، تجربه‌ها و درک آن‌ها از بحران است.

۵. بازبینی نقش اطلاعات در مدیریت بحران بین‌المللی

دیو اسنودن^۲ مشاور و محقق در زمینه‌ی مدیریت علم و دانش بر این باور است که در تضاد با حوزه شناخت ناشناخته‌ها، مدیر فرصتی را برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی داده‌ها برای خود دارد تا بدین وسیله به مفهوم موقعیت و به همین منوال به موقعیت پاسخگویی پی ببرد. در زمان بحران‌های ناشناخته وظیفه مدیر بحران کشف الگوها نیست بلکه کار او همانند پزشک اورژانس ابتدا بند آوردن خونریزی است. در ابتدا یک مدیر در جهت دستور اقدام می‌کند و سپس متوجه ثبات و بی‌ثباتی قسمت‌های مختلف می‌شود و به‌واسطه کار کردن برای تغییر شکل موقعیت از هرج‌ومرج به پیچیدگی از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد. شناخت الگوهای در حال پیدایش هم می‌تواند در جهت

۱- Bracken and others

۲- dave snowden

پیشگیری از بحران‌های آتی و پی بردن به فرصت‌های جدید کمک شایانی نماید (اسنودن^۱، ۲۰۰۷: ۴)، لذا اطلاعات نقش مهمی در جهت حمایت سیاست‌گذار در اقدام و نیز در دست داشتن کنترل رویدادها در یک بحران دارد. مطالعات نشان داده‌اند که رؤسای یک صنف مشترک در مقابل بحران‌ها طوری عمل می‌نمایند تا رویدادها و ساختارها را شکل دهند.

بحران دیپلماتیک نردبانی به‌سوی جنگ است که در هر پله‌ی آن فرصت‌هایی برای بالا بردن، پائین آوردن و یا بازگشت به وضعیت عادی وجود دارد. به‌علاوه، تحقق بخشیدن به یک مذاکره‌ی بی‌نتیجه و ادامه آن بدون هیچ‌گونه حل و فصل نیز تعبیر می‌گردد. یا برعکس بالا رفتن از این نردبان در جهت شکل دادن به بحران دیگری است. این تصمیم بر این اساس که می‌باید بحران را کاهش یا افزایش داد و یا به‌سوی یک مذاکره پیش رفت می‌تواند بر پایه طیفی از اصول شناختی و سعی در جهت مفهوم‌سازی ذهنی از هرج و مرج در یک بحران شکل گیرد (ویک^۲، ۱۹۸۸: ۳۰۵)، البته آن‌گونه که دانیل کافمن^۳ می‌گوید اگر بتوان سریع و آهسته فکر کرد کاری ارزشمند انجام شده است. سریع فکر کردن به ما این امکان را می‌دهد تا یک نوع توازن را در سوارشدن به یک دوچرخه بدون سقوط کردن داشته باشیم. این سیستم فکر کردن سریع است که معمولاً باعث به‌وجود آمدن واکنش ما در قبال دنیای اطراف می‌گردد و در این حالت باعث به‌وجود آمدن واکنش ما در مقابل یک بحران است. با تأمل تصمیم گرفتن منطقی‌ترین نوع تفکر است که در زمانی فعال می‌شود که تصمیم‌گیری فوری با مشکل مواجه می‌گردد و هیچ‌گونه پاسخ فوری برای آن وجود ندارد.

نقش ارسال پیام می‌باید حمایت‌کننده سیستم انعکاسی تفکر در ذهن یک سیاست‌گذار باشد. از راه گفتگو، حمایت هوشمندانه برای یک سیستم تفکر سریع در ذهن سیاست‌گذار دارای یک نوع انتقام گرفتن مخصوص خودش هست (کاهنمن^۴، ۲۰۱۱: ۱۷).

تصمیم‌گیری برای یک بحران یک نوع انتخاب ثابت نیست، بلکه تصمیم‌گیری برای حل مسئله نیاز به آن دارد که سیاست‌گذار بتواند انتخاب‌های متوالی مخاطره‌انگیزی را به‌سرعت در یک محیط پیچیده داشته باشد. سیاست‌گذار می‌باید مفهوم بازخورد و پیامدهای انتخاب خود را دانسته و برای چگونگی مرحله‌ی بعدی بحران تصمیم‌گیری نموده و واکنش نشان دهد. به‌علاوه، سیاست‌گذار باید سعی کند تا مسائل را پیش‌بینی نماید ولی دیگر نمی‌تواند تصمیم گرفته‌شده برای حل بحران که بر آن اثرگذار بوده را در مراحل مختلف کنترل نماید.

امر اطلاع‌رسانی به سیاست‌گذاران در خصوص ظرفیت رقیبان کار خطیری است که می‌بایست سیاست‌گذاران را

۱- Snowden

۲- Weick

۳- Daniel Kahneman

۴- Kahneman

در قبال پیامدهای احتمالی انتخاب‌های مخاطره‌آمیزشان حساس نمود و سیستم فکری آن‌ها را برای نتایج منشعب از بحران آگاه نمود. یک نتیجه‌ی قابل پیش‌بینی از یک بحران وجود ندارد، بلکه نتایج احتمالی متعدد همانند گروه‌های رقیب در یک مانور بحران وجود دارند. آگاه‌سازی از ادعاهای مختلف و اظهار علاقه یا دلسوزی ناگهانی نسبت به یک فرد و یا مبهم بودن موقعیت خود و ادعای بعضی از افراد راجع به بحران، جنبه‌های پیچیده امر اطلاع‌رسانی است.

داده‌کاوی سنتی به صورت سلسله‌مراتبی است که در آن حجم عظیمی از داده از طریق هر می از کارشناسان برای پردازش آماده می‌شوند. آگاهی و بصیرت در دنیای امروزی بر پایه‌یک ارزیابی هوشمند است (بویسوت و مک کلوی^۱، ۲۰۰۶: ۱۹).

هشدار ارزیابی‌شده‌ی سازمان سیا در مورد استقرار موشک‌های شوروی در کوبا برای وارد نمودن سیاست‌گذار به فضای درک آینده و تصمیم‌گیری بحران‌های محتمل و متشابه بوده است. بدین معنا که، وقوع بحران‌های مشابهی نیز محتمل است. درک فضای امنیتی و ارائه الگو و سناریوهای محتمل از طرف تحلیل‌گر و سیاست‌گذار می‌بایست ارائه گردد چراکه آن‌ها زمان فعلی خود را به آینده منتقل می‌کنند. ارتباط دادن وقایع مختلف (بحران‌های متفاوت) در آینده به آگاهی و هوشمندی تحلیل‌گر بستگی دارد زیرا تشخیص‌دهنده و قضاوت‌کننده‌ی شروع ادامه و یا خاتمه‌پذیری یک بحران است.

برای مثال، واکنش طرف‌های ثالث در قبال هر نوع بحران شکل‌گرفته و یا محتمل نشان‌دهنده بقای آن در مقابل اتفاقات غیرعادی باشد. هر امر غیرطبیعی و بحرانی می‌تواند فرصتی برای جهش اقتصادی یک کشور به یک موقعیت جهانی می‌باشد و یا اینکه مسائل دشوار مربوط به بحران مالی و سیاسی می‌توانند تنزل‌دهنده موقعیت جهانی باشند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

چارچوب جاری برای مدیریت بحران، اعم از سیاسی - نظامی یا صنعتی و یا تجاری این است که علائم هشداردهنده در مورد وجود یک بازیگر بین‌المللی برای به چالش کشیدن نظم بین‌المللی و پروتکل‌های دیپلماتیک (یا نقض استانداردهای ایمنی صنعتی؛ یا نادیده گرفتن روش‌های مطلوب اداره امور دولتی)، وقوع قریب‌الوقوع یک بحران را متذکر می‌شود (فینک^۲، ۲۰۰۲؛ بوین و دیگران^۳، ۲۰۰۵).

چالش برای سیاست‌گذاران تشخیص بازیگری است که نظم بین‌الملل را به چالش می‌کشد و از خط قرمزها عبور کرده است (فیش بین^۴، ۲۰۰۴). لذا این مطلب در شکل ۱ نشان داده می‌شود که بحران در حال پیشرفت بوده، و

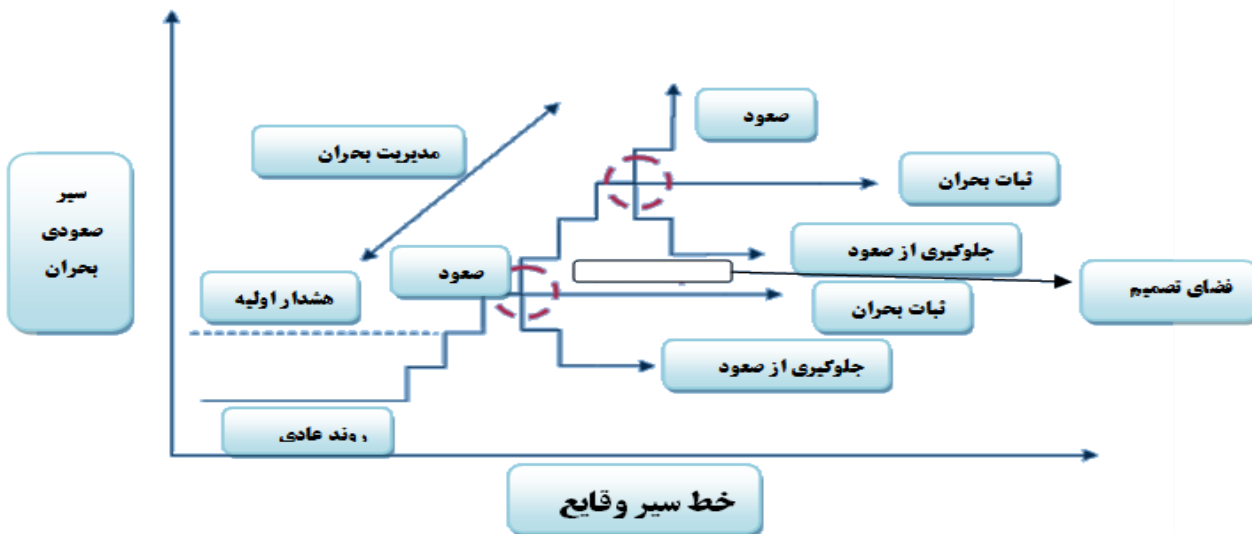
۱- Boisot and McKelvey

۲- fink

۳- Boin and others

۴- Fishbein

طرح‌های اقتضایی برای در برگرفتن خسارت و محدود کردن بحران باید راه‌اندازی شود.



شکل ۱: مدل روند بحران در زمان (اسمیت^۱، ۲۰۰۶: ۳۱۷-۳۰۱).

گسترش یک بحران در حد وسیع به این بستگی دارد که چگونه سیاست‌گذاران به مفهوم آن توجه داشته باشند و یا این‌که بحران را به همان‌گونه که آشکار می‌شود بپذیرند. این‌که چگونه سرویس‌های اطلاعاتی می‌توانند به مفهوم بحران به همان‌گونه که آشکار می‌شود پی ببرند تا حد زیادی تعیین‌کننده‌ی واکنش آن‌ها است و به‌نوبه خود تعیین‌کننده‌ی این اصل خواهد بود که آیا بحران سیر نزولی خود را طی می‌کند یا به‌سوی بعضی اشکال ثبات و بن‌بست در جهت مذاکرات می‌رود و یا سیر سعودی به خود می‌گیرد.

بحران‌هایی صورت پذیرفته‌اند که در تقابل با تلاش‌ها در جهت درک بحران‌های سیاسی بوده‌اند. به‌عنوان نمونه زمانی که دو کشور در مسیر بهبود روابط هستند و ناگهان رویدادی موجب افزایش سطح بحران می‌شود. در این وضعیت تصمیم‌سازان تعیین می‌کنند که مدیریت بحران را به سمت صعود بحران و یا ثبات سوق دهند.

در یک نمونه در اول آوریل سال ۲۰۰۱ به دلیل متوقف ساختن یک هواپیمای جاسوسی در ۱۱۰ کیلومتری جزیره‌های نان از سوی چین و نیز در ۲۳ مارس سال ۲۰۰۱ که در آن تاریخ ناو محافظ چین بنام چیناهو سد راه دیدبانی و نقشه‌برداری نیروی دریایی آمریکا^۲ که مشغول جمع‌آوری اطلاعاتی در منطقه اقتصادی چین در دریای چین جنوبی بود صورت گرفت (گوآن^۳، ۲۰۱۰: ۲۳۱-۲۲۷). چنین اتفاقاتی باعث بالا گرفتن بحران‌های سیاسی در

۱- Smith
 ۲- USNS Bowditch
 ۳- Guan

دریا شدند که احتمال می‌رفت منجر به بحران‌های سیاسی شوند. چراکه دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی به‌طور فزاینده‌ای در تقابل با یکدیگرند. موضوع مهمی که مطرح می‌شود این است که این بحران‌آفرینی‌ها چه نقشی در سیاست دارند. نتایج یک رویداد غیر عمد در دریا بین کشتی‌های نیروی دریایی در حال رقابت یا توقیف کشتی‌های ماهیگیری، همگی اعمال بی‌هدفی هستند که غیرقابل‌پیش‌بینی می‌باشند و نشانی از یک دنیای پیچیده و پرهرج و مرج هستند. واکنش ذاتی یک کشتی کوچک ماهیگیری در زمان تعقیب شدن به‌وسیله‌ی یک کشتی گارد ساحلی نمی‌تواند پیش‌بینی شده باشد و ممکن است در راستای یک سلسله رویدادهایی قرار گیرد که باعث شکل گرفتن یک نوع بحران دیپلماتیک کاملاً غیرقابل‌پیش‌بینی باشد.

امروزه سیاست‌گذاران نیز همانند بحران‌های سال‌های گذشته در محدودیت زمانی قرار می‌گیرند. تکنولوژی اطلاعات باعث شده ماتریس جدیدی از جریان‌های اطلاعاتی لحظه‌ای ایجاد شود و تکنولوژی این توانایی را دارد که تعداد غیرمنتظره از شرکت‌کنندگان در یک بحران را شناسایی نماید و علاوه بر آن نظاره‌گر و شاهد رخ داده‌ای متفاوتی نیز باشد (گووینگ^۱، ۲۰۰۹: ۱۱).

در حال حاضر زمان موردنیاز از سوی مقامات مسئول و سیاست‌گذاران در پاسخ به توقیف کشتی‌های ماهیگیری یا تصادم کشتی‌های دریایی چیزی کمتر از نیم روز بحران را به خود اختصاص می‌دهد. اما تقاطع آن رویدادهای دیگر باعث پیچیده‌تر شدن شناخت یک بحران می‌شود. هوشمندی راهبردی در ارتباط دادن علت و معلول در این‌گونه بحران‌ها این امکان را می‌تواند داشته باشد تا به سیاست‌گذاران کمک نماید. زیرا برای سیاست‌گذاران تصمیم‌گیری در زمان بحران بسیار سخت و گاه غیرممکن است (کیلرز^۲، ۲۰۰۷).

مدل مدیریت بحران بین‌المللی

مدلی که در ادامه به آن پرداخته می‌شود حاصل مرور ده‌ها نمونه از بحران‌های بین‌المللی در حوزه‌های امنیتی، زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاست خارجی است و تطبیق آن با عملکرد سرویس‌های اطلاعاتی کشورها در آن بحران‌ها و تجربه‌های حاصل از جمله در داخل کشور است. اجزای مدل بر اساس روش توصیفی صورت گرفته از ابتدای سیر صعود بحران، خط سیر وقایع، نقش سرویس اطلاعاتی در مدیریت آن و ایجاد فضای تصمیم برای سیاست‌گذاران است.

۱. سرویس‌های اطلاعاتی هر یک برآورد نسبی از وضعیت کنونی دارند که به‌محض روی دادن بحران تبدیل به شرایط پیشین می‌شود. نوعاً برآوردهای سالانه شامل شرایط فعلی و آینده است که هر سرویس اطلاعاتی برای سیاست‌گذاران پیش‌بینی می‌کند.

۲. بحران‌ها نیز به دودسته الف- جاری یا موجود و ب- بحران در حال ظهور تقسیم می‌شوند. بحران‌های جاری مبنی بر برآوردهای اطلاعاتی فنی تجزیه و تحلیل می‌شوند اما داده‌های بحران‌های در حال ظهور بیشتر مبتنی بر حس و تحلیل‌های گمانی سرویس است. عمده بحران‌های بین‌المللی ناشی از ظهور بازیگرانی است که نظم موجود را به چالش می‌کشند و یا حاصل حوادث کوچکی هستند که سیاستمداران از آن‌ها معنای یک منازعه و خصومت را برداشت می‌کنند.

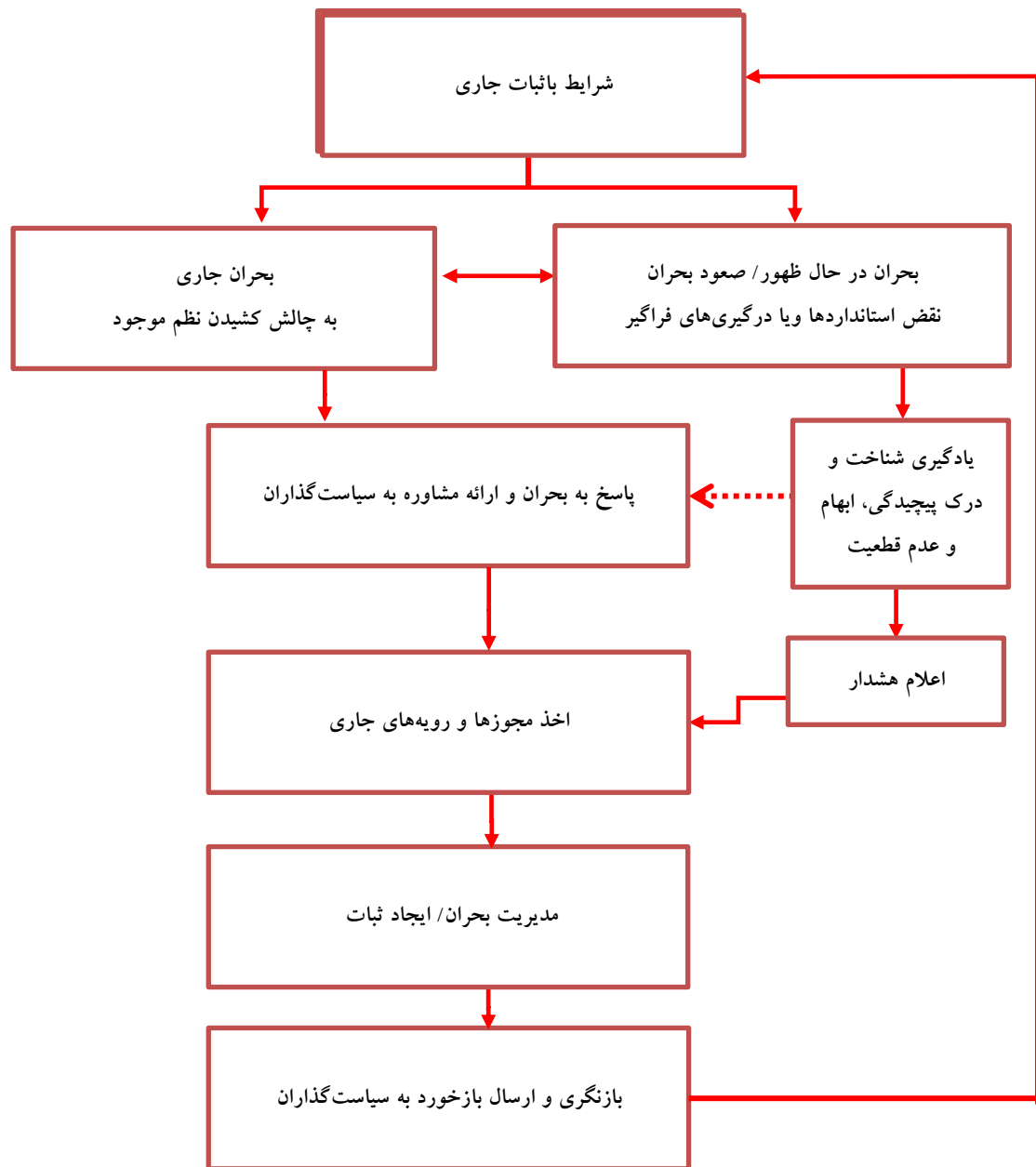
۳. بحران جاری نیازی به طی رویه و مجوزهای قانونی برای پیگیری ندارد و از پیش وضعیت آن مشخص شده است. اما سرویس اطلاعاتی برای پرداختن به بحران‌های در ظهور بایستی رویه‌هایی را طی نماید که می‌تواند مجوز هیئت دولت، طرح در مجلس، مجوز سازمان ملل، شورای امنیت، دریافت بودجه و... باشد.

۴. پس از عبور از این مرحله مدل‌های مختلف حل بحران اجرا می‌شود که بستگی به موضوع، سطح توان سرویس‌های اطلاعاتی و به دنبال آن سیاست‌گذاران، شدت و حجم و زمان بحران و ذینفعان دیگر دارد. همان‌گونه که اشاره شد این مرحله می‌تواند نردبانی به سمت حل بحران باشد و یا تشدید ابعاد گسترده‌تر بحران.

۵. حل هر بحران موجب تجمیع آموخته‌ها و یادگیری توانایی مدیریت بحران‌های جدید می‌شود. هیچ بحران مشابه و تکراری وجود ندارد. هر بحرانی با دیگری متفاوت است و همین مسئله موجب استمرار مسیر یادگیری می‌شود. بدین منظور مدیریت بحران‌ها موردبازنگری قرار می‌گیرند و بازخوردهای لازم را به سیاست‌گذاران برای بررسی در شرایط موجود و پیش از بحران بعدی قرار می‌دهند.

لذا در هر مرحله سرویس‌های اطلاعاتی نقش بسیار مهمی در مدیریت بحران ایفا خواهند نمود. مجموع مراحل

فوق در شکل ۲ قابل مشاهده است:



شکل ۲: مدل مدیریت بحران

این الگوی خطی و فرایندی برگرفته از ادبیات گردآوری شده در حوزه مدیریت بحران‌های بین‌الملل و چرخه مدیریت بحران است فرایند مربوط به صعود بحران و هشدار اولیه از مدل مفهومی روند بحران در زمان اسمیت اخذ شده است. پس از نهایی شدن و انجام اصلاحات، به خبرگان ارائه و مورد تایید قرار گرفت.

۴. نتیجه گیری

در این مقاله الگوی درک از بحران‌های بین‌المللی و نقش اطلاعات راهبردی در پایان دادن به این‌گونه بحران‌ها در سه حوزه بحث شد. ۱- حوزه اطلاع‌رسانی به سیاست‌گذاران در خصوص زمان کافی برای هشدار در شروع یک بحران است. که ضمن آن به قضاوت‌های صورت گرفته در مورد شکست این قسم اطلاع‌رسانی و هشدار برای بحران اشاره شد. ۲- حوزه و مبهم‌ترین آن اطلاع‌رسانی در جهت اعلام هشدار زودهنگام برای وقوع بحران در سیاست‌گذاری بود. رابطه میان رفتار متعادل در مقابل خردپذیری انسانی و بازیگری منطقی که در علوم سیاسی مفروض است با مسئله دشوار در متقاعدسازی خود و سیاست‌گذاران مبتنی بر اطلاعات از اهمیت برخوردار است. ۳- حوزه، جهانی‌شدن بعد از جنگ سرد است که کشورها را به‌سوی هم نزدیک‌تر ساخته و برخی را به یکدیگر وابسته‌تر نموده و در یک دنیای پیچیده و به‌طور کاملاً شبکه‌بندی شده قرار داده است. تکنولوژی اطلاعات، جهان را در مسیر جریان‌های پیچیده‌تر اطلاعات و دانش کشانده است به‌نحوی که این امر موجب تغییر سیاست‌گذاری‌ها و به‌تبع آن مدیریت بحران‌ها شده. تغییر چگونگی ارتباطات سرویس‌های اطلاعاتی با یکدیگر و همچنین چگونگی برقراری ارتباط با دولت‌ها از این دست است. رویدادهای پیش‌بینی نشده‌ای که این مقاله راجع به آن‌ها بحث نمود می‌توانند از طریق دنیای کاملاً شبکه‌بندی شده با پیامدهای فاجعه‌بار و همین‌طور رویدادهای کم‌اهمیت به حیطه یک بحران تشدید شده انعکاس پیدا کنند. از این رو، نیاز مبرم به روش جدیدی برای حمایت از سیستم اطلاعاتی برای سیاست‌گذاران درگیر بحران احساس می‌شود.

یکی از این روش‌ها که پیشنهاد گردید مدلی خطی پنج مرحله‌ای است که هر بحران را تقسیم به بحران‌های جاری و در حال ظهور می‌کند و رویه متفاوتی را برای مدیریت هر یک پیشنهاد می‌نماید. نکته مهم در مدیریت بحران‌های بین‌المللی جایگاه سرویس‌های اطلاعاتی است که وظیفه یادگیری شناخت، درک پیچیدگی، ابهام و عدم قطعیت‌ها را دارند که بر اساس آن می‌توانند گزارش هشدار به سیاست‌گذاران داده و مجوزهای لازم را برای مدیریت بحران اخذ کنند. در نهایت هر بحران یک درس و بازخوردی برای سرویس‌های اطلاعاتی و سیاست‌گذاران خواهد بود تا از تجربه آن در شرایط جاری استفاده نمایند. بدین منظور مدیریت بحران‌ها موردبازنگری قرار می‌گیرند و بازخوردهای لازم را به سیاست‌گذاران برای بررسی در شرایط موجود و پیش از بحران بعدی قرار می‌دهند. بایستی توجه داشت که سرویس‌های اطلاعاتی برای ارائه هشدار راهبردی، به‌جای اتخاذ روش‌های سنتی و رویکرد مبتنی بر تهدید به سمت ارزیابی آسیب‌پذیری حرکت کرده است و نقض استانداردها را نشانه بحران تلقی می‌کند.

پیشنهاد

۱. تغییر رویکرد سرویس‌های اطلاعاتی برای ارائه هشدار راهبردی، از روش‌های سنتی و رویکرد مبتنی بر تهدید به سمت ارزیابی آسیب‌پذیری و نقض استانداردها به منظور درک بحران‌های در حال ظهور.
۲. تسریع در روندهای مربوط به اخذ مجوزهای قانونی برای مدیریت بحران و مشخص کردن وضعیت‌های فرضی پیش از صعود بحران.
۳. مستندسازی و ایجاد انباشت دانش مدیریت بحران با بهره‌گیری از تجارب مدیریت بحران‌های بین‌المللی توسط سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای مختلف.
۴. افزایش توان سرویس‌های اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف (دانشی، مهارتی و حقوقی-بین‌المللی) به منظور مشارکت در مدیریت بحران‌های بین‌المللی.

فهرست منابع و مآخذ

- آیه الله خامنه‌ای، سید علی پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری: <http://farsi.khamenei.ir>
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۰). *هشدار دهی: کارکرد تحلیل اطلاعاتی در جلوگیری از غافلگیری*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۳، شماره مسلسل ۵۳، ۱۰۳-۱۲۶.
- حسینی، سید حسین. (۱۳۸۵). *بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود*، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۷۱، ۷-۵۱.
- شجاع مؤدب، حمیدرضا حسینی تاش، سید علی؛ آقای، محسن و امیری مقدم، رضا. (۱۳۹۹). *ارائه مدل تحول در چرخه‌های ظهور بحران‌های سیاسی امنیتی*، متأثر از فضای سایبر، فصلنامه علمی امنیت ملی، ۱۰(۳۵)، ۱۷۹-۲۰۴.
- صدیقی گارین، سیما؛ زارع، حمید؛ عرب سرخی، ابوذر و محمودی، سید محمد. (۱۳۹۹). *ارائه چهارچوبی مفهومی جهت ایمن‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی در سازمان‌های مبتنی بر رویکرد فراترکیب*، فصلنامه علمی امنیت ملی، شماره ۱۰(۳۶)، ۱۰۳-۱۲۶.
- عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۹). *نظریه‌های امنیت*، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر ایران، تهران.
- گروه مطالعاتی دانشگاه عالی دفاع ملی. (۱۳۹۱). *طراحی راهبردی مدیریت بحران‌های طبیعی*، دانشگاه عالی دفاع ملی، انتشارات داغ.
- مازور، گرهارد. (۱۳۶۷). *بحران چیست و چه وقت بروز می‌کند*، ترجمه عبدالحسین آذرننگ، کیهان فرهنگی، شماره ۳، سال ۵.
- میرمحمدی، مهدی. (۱۳۸۶). *کارکردهای سازمان اطلاعاتی در کشورداری*، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۵۷، ۱۵۳-۱۹۸.
- نوریان، احمد و رمضانی، محمدجواد. (۱۳۹۹). *غیرامنیتی کردن مسائل اجتماعی؛ مطالعه موردی شهر تهران*، فصلنامه علمی امنیت ملی، شماره ۱۰(۳۶)، ۴۶۱-۴۶۶.
- واعظی، محمود. (۱۳۸۹). *نظام نوین بین‌الملل و مدیریت بحران‌های بین‌المللی*، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶، ۵-۴۲.
- Alexander L George (۱۹۹۱). *Avoiding war; Problems of crisis management*. Oxford: Westview Press, ۱۹۹۱).
- BBC (۲۰۰۴). *Two 3-part television series The Power of Nightmares by Adam Curtis and broadcast*. ۲۰ & ۲۷ Oct and ۳ Nov ۲۰۰۴.
- Bennett, Michael and Edward Waltz (۲۰۰۷), *Counter deception principle and applications for National Security*. Boston: Artech House.
- Berg, d.m & Robb, s (۱۹۹۲). Crisis management and the paradigm case. In E.L.Torth & R.L Health EDU. Rhetorical and critical approaches to public relations. Hillsdale, NJ. Lawrence Erlbaum associates.
- Betts, Richard K (۲۰۰۷). *Enemies of intelligence*; Knowledge and power in American National Security (New York: Columbia University Press.
- Boin, Arjen and Paul't Hart and others (۲۰۰۵), *The politics of crisis management*; Public leadership under pressure. Cambridge: University Press.
- Boisot, Max and Bill McKelvey (۲۰۰۶), "*Speeding up strategic foresight in a dangerous and complex world: a complexity approach*". Corporate strategies under international terrorism adversity. Cheltenham: Edward Elgar.
- Bracken, P. Ian Bremmer and David Bordon (۲۰۰۸), *Managing strategic surprise*; Lessons from risk management and risk assessment. Cambridge: University Press.
- Byman, Daniel (۲۰۰۵). "*Strategic surprise and the September 11 attacks*," Annual Review of Political.
- Caldwell, Dan (۱۹۸۹), "*The Cuban Missile Affair and the American Style of Crisis Management*", Parameters, Vol.XIX.No.۱. pp. ۴۹-۶۰.
- CIA (Jan ۲۰۰۳). Analyst Jack Davis, "*Strategic warning: If surprise is inevitable, what role for analysis?*" Sherman Kent Center for Intelligence Analysis, Occasional Papers, vol.۲/i available at <https://www.cia.gov/library/kent-center-occasional-papers/vol2no1.htm>.
- CIA History Staff (۱۹۹۲). *CIA documents on the Cuban missile crisis 1962 Washington D.C.*: CIA.
- Cilliers, Pal (۲۰۰۷), "*Making sense of a complex world*." In Mika Aaltonen, The third lense; Multi-ontology sense-making and strategic decision making. Aldershot: Ashgate.
- Coombs, W. T. (۲۰۰۷). *Ongoing crisis communication: planning, managing and responding*. LosAngeles.

Sage.

- Fink, Steven (۲۰۰۲) “*how to manage a crisis*” manuals, on which see Crisis management: Planning for the inevitable. Backinprint.com.Edition; Cincinnati, Ohio: Authors Guild.
- Fishbein, Warren and Gregory Treverton (۲۰۰۴), “*Making sense of transnational threats*”. Sherman Kent Centre for Intelligence Analysis, Occasional Papers, vol. ۳/I at: <http://cia.gov/library/keng-center-occasional-papers/vol3no1.htm>.
- Friedman, M. (۲۰۰۲). *Everyday crisis management: how to think like an emergency physician*. Naperville, IL: first decision press.
- Gowing, Nik (۲۰۰۹). ‘*Skyful of Lies*’ and Black Swans; The new tyranny of shifting information power in crises, RISJ Challenges. Oxford: Reuters Institute for the Study of Journalism/ University of Oxford.
- Graham Allison & Philip Zelikow (۱۹۹۹). *Essence of Decision; Explaining the Cuban missile crisis*. New York: Longman/Addison-Wesley.
- Guan, Kwa Chong (۲۰۱۰) “*Cooperation and confidence building: a Southeast Asian perspective*.” Southeast Asia and the rise of Chinese and Indian naval power; between rising naval powers. London/New York: Routledge.
- Handel, Michael (۱۹۸۱). *The diplomacy of surprise*. Cambr, Mass.: Harvard University Press.
- Heath, R & Miller, D (۲۰۰۴), *a rhetorical approach to crisis communication: management, communication process, and strategic approach response*. In Health EDU. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum associates.
- Herets, Elstree (۲۰۱۱). *Attributed to H Kissinger and quoted with his permission in M Leventhal, The hand of history*; An anthology of history quotations commentaries.
- Heuer Jr, Richard J (۱۹۹۹). *Psychology of intelligence analysis*. Washington D.C.: Center for Study of Intelligence, CIA.
- James G Blight & David A. Welch (۱۹۹۸). *Intelligence and the Cuban missile crisis*. London: Frank Cass.
- Jervis, Robert (۲۰۱۰). *Why intelligence fails; Lessons from the Iranian Revolution to the Iraq war*. Ithaca: Cornell University.
- Johnson, Loch K (۲۰۰۹). “*Strategic warning; Intelligence support in a world uncertainty and surprise*”. Handbook of intelligence studies London: Routledge.
- Kahneman, Daniel (۲۰۱۱). *Thinking, fast and slow*. London: Penguin/Allen Lane.
- Klaus Knorr and Patrick Morgan (۱۹۸۳), *Strategic military surprise; Incentives and opportunities*. New Brunswick, JJ: Transaction Books.
- Lebow, Richard N (۱۹۸۱). *Between peace and war; the nature of international crisis*. Baltimore: John Hopkins University Press.
- Lee Lerner, von K. and Brenda Wilmoth Lerner (۲۰۰۴). *Encyclopedia of Espionage, Intelligence, and Security, 3 Bände, Detroit*: Gale.
- Neustadt, Richard E and Ernest R May (۱۹۸۶), *Thinking in time; the uses of history for decision makers*. New York: Free Press.
- Omand, David (۲۰۱۰). *The British perspective, in his securing the state*. London: Hurst.
- Scheuer, Michael (۲۰۰۷). *Imperial Hubris; Why the West is losing the war on terror*. London: Bassey’s.
- Smith, Denis (۲۰۰۶) “*The crisis of management: Managing ahead of the curve*,” . Key readings in crisis management; Systems and structures for prevention and recovery. London: Routledge.
- Snowden, David J & Mary E Boone (۲۰۰۷), “*A leader’s framework for decision making*,” Harvard Business Review . November, ۸۰(۱۱):pp ۶۸-۷۶.
- Weick, K. E. (۱۹۸۸). “*Enacted sensemaking in crisis situations*,” Journal of Management Studies ۲۵/iv, ۳۰۵-۱۷.
- Whaley, Barton (۱۹۷۳). *codeword Barbarossa*. Cambr. Mass.: MIT Press.
- Williams, Phil (۱۹۷۶). *Crisis management; Confrontation and diplomacy in the nuclear age*, New York: J Wiley.

